

زن و هویت یابی در ایران امروز

نویسنده: گیتی عزیز زاده

تهران؛ ۱۳۸۶

ناشر: انتشارات روشنگران، ۱۲۸ صفحه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

مینا یمینی



هویت: هویت چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد و باید به طور مداوم و روزمره آن را ایجاد کند و در فعالیت‌های تأملی و بازاندیشانه مورد حفاظت و حمایت قرار دهد.

هویت فردی: هویت فردی بیشتر بر تفاوت اشاره دارد. هویت فردی از نیازهای روانی انسان و پیش‌نیاز هرگونه زندگی اجتماعی است.

هویت جمعی: اشاره به همسانی و شباهت‌هاست که با عضویت گروهی توضیح داده می‌شود.

ابعاد هویت مدرن: فرد گرایی و خردگرایی، نقد و بازاندیشی خود و کلیشه‌های جنسیتی و کنترل منظم بدن.

نویسنده «زن و هویت یابی در ایران امروز» را موضوع پژوهش رساله‌ی خود قرار داد تا از این طریق به سؤالی درباره‌ی هویت، نظریه‌های جامعه‌شناختی مربوط به آن و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت، پاسخ داده و به ابعاد هویت مدرن نگاهی واقع‌بینانه‌تر داشته باشد.

در این راه میزان برخورداری زنان متخصص (وکیل، پزشک و هنرمند) از سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را مورد ارزیابی قرار داده

کتاب «زن و هویت یابی در ایران امروز» نوشته‌ی «گیتی عزیز زاده» است که توسط انتشارات روشنگران و مطالعات زنان در سال ۱۳۸۶ در ۱۲۸ صفحه، مصور، دارای جدول و با قیمت ۲۰۰۰ تومان منتشر شده است.

محورهای بحث این کتاب عبارتند از:

- ۱- چرا این موضوع؟، ۲- مقدمه، ۳- چرا هویت؟ چرا زنان؟، ۴- هویت فردی یا هویت جمعی؟، ۵- هویت واقعی ذهنی یا عینی؟، ۶- هویت زنان از مدرنیسم تا فمینیسم، ۷- فمینیسم و هویت زنان، ۸- از نقد فمینیستی با زمینه ادبی تا نقد فلسفی، ۹- جامعه‌شناسان معاصر و هویت، ۱۰- نیم نگاهی به هویت زنان متخصص ایرانی، ۱۱- سرمایه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان متخصص، ۱۲- هویت فردی مدرن زنان متخصص و ابعاد آن، ۱۳- رابطه‌ی ویژگی‌های شغلی و خصوصیات هویتی. قبل از پرداختن به محتوای کتاب لازم است چند مفهوم را که نویسنده از آنها استفاده زیادی کرده است، به طور عملیاتی تعریف شود:

تا مشخص گردد که کدامیک از این سرمایه‌ها نقش تعیین کننده‌تری در شکل‌گیری هویت آنها داشته است. از سوی دیگر بازناندیشی خود و کلیشه‌های جنسیتی و کنترل منظم بدن را مورد بررسی قرار داده تا مشخص شود که زنان متخصص جامعه‌ی ایرانی به کدامیک از ابعاد هویت مدرن دست یافته‌اند و کدام بخش را مورد غفلت قرار داده‌اند. نویسنده معتقد است که هویت از نیازهای روانی انسان و پیش‌نیاز هرگونه زندگی اجتماعی است، چرا که اگر مبنای زندگی اجتماعی را برقراری ارتباط پایدار و معنادار با دیگران بدانیم، هویت چنین امکانی را فراهم می‌کند.

او هویت را به معنای «داشتن تصویر روشنی از خود یا پنداشتی آگاهانه از کیستی و چیستی خود» تعریف می‌کند و می‌گوید زنان بدون دست یافتن به دانش و آگاهی متناسب با تغییرات جدید هرگز نخواهند توانست تعریفی متناسب با زمان را نسبت به کیستی و چیستی خود به دست آورند. آنها هر روز بیشتر درمی‌یابند که برای یافتن جایگاه واقعی خود در عرصه‌ی خانوادگی، شغلی و اجتماعی می‌بایست از هویتی مستقل، مطلع و آگاه برخوردار شوند و این میسر نمی‌شود مگر منابع و سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی بیشتری را کسب کنند و برای این مهم تلاش فردی آنها بسیار مؤثر است.

نویسنده برای به دست آوردن اطلاعات لازم درباره‌ی سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این سه گروه از زنان متخصص (وکیل، پزشک و هنرمند + مهندس) و سنجش میزان برخورداری از هویت فردی مدرن در میان آنها با مراجعات مکرر به کانون وکلا و نظام پزشکی، ۱۴۰ پرسشنامه همراه با مصاحبه با افراد داوطلب انجام داد، اما او زنان بازیگر تئاتر را به دلیل مشکلات و ویژگی‌های خاص با زنان مهندس جایگزین کرد تا بتواند از طریق پرکردن پرسشنامه و مصاحبه‌های تکمیلی به جمع‌آوری اطلاعات بپردازد. نمونه‌ی آماری او شامل ۲۱۰ نفر با تقسیم مساوی سه گروه ۷۰ نفره بود.

بیشتر مصاحبه‌ها با زنان وکیل انجام شد. همکاری آنها به شکل داوطلبانه‌تری و با فرصتی مناسب صورت می‌پذیرفت. به نظر نگارنده همین موضوع نیز به نوع حرفه و اهمیتی که این قشر به مسائل اجتماعی می‌دهند، مربوط می‌باشد. او معتقد است در این مطالعه قصد تعمیم اطلاعات به دست آمده به کل زنان متخصص را نداشته و تنها

نمونه‌ی آماری مورد نظر بوده است. نویسنده در این کار با محدودیت‌ها و مشکلاتی روبرو بوده است. او موانع کار را در موضوع پیچیده و انتزاعی هویت فردی، دیدگاه‌ها و نظریه‌های پراکنده، بدون انسجام و غیر نظام‌مند و پرداختن بیشتر پژوهشگران به هویت جمعی و قومی‌دانست که سبب شده بود موضوع با روش‌های کمی و آماری و پرسشنامه‌ای به سختی قابل مطالعه باشد و او ترجیح داد از روش‌های کیفی با مصاحبه‌های عمیق استفاده کند که الزاماتی تحمیل شده مانع این کار شد.

از مشکلات دیگر نویسنده، دسترسی سخت به زنان متخصص بود که محیط کار آنها مناسب این کار نبود و یافتن موقعیتی بهتر احتیاج به مراجعات و پیگیری‌های زیادی داشت.

نویسنده در مورد نتایج و تحلیل نهایی و جمع‌بندی اطلاعات به دست آمده می‌گوید میزان سرمایه‌ی فرهنگی این افراد کمتر از سرمایه‌ی اجتماعی و اقتصادی آنهاست. او می‌گوید یک پنجم افراد از سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی زیادی برخوردارند، یعنی حدود ۲۱ درصد که در مقایسه با میزان گرایش به هویت فردی مدرن تطابق نسبتاً مناسبی دارد، چرا که ۱۷ درصد افراد از هویتی با گرایش‌های کاملاً مدرن برخوردار بودند.

نویسنده با توجه به فرضیه‌های تحقیق و نتایج آزمون همبستگی معتقد است که فرضیه‌ی اصلی این تحقیق یعنی «ترکیبی از سرمایه‌های نمادین به عنوان مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری هویت مدرن نقش بسزایی دارد»، تأیید می‌شود یعنی هر چه سرمایه‌های نمادین افراد بیشتر باشد، گرایش به هویت مدرن در آنها بیشتر می‌شود.

نقاط قوت و ضعف:

کتاب حاضر از لحاظ محتوا کتاب خوب و قابل تأملی است، اما از لحاظ شیوه‌ی نگارش، تعدادی غلط‌های املائی و نگارشی در این اثر به چشم می‌خورد. همچنین در بعضی از قسمت‌ها، جمله‌ها نامفهوم و دارای ابهام است و مخاطب را به چالش می‌کشاند. نداشتن فصل‌بندی منطقی و همچنین استفاده از تصاویر نامناسب در این اثر از دیگر نقاط ضعف کتاب است.